

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضای مجازی

پایگاه ندای پاک فطرت

www.nedayepakefetrat.ir



* فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد...

* اگر می توانستم خودم مسئولیت

شورای عالی فضای مجازی را به عهده می گرفتم...



فهرست مطالب

۴	وجود قواعد برای جهاد در فضای مجازی
۴	ورود در فضای مجازی، نوعی جنگ
۴	آرایش نیرو، اصلی با قواعد خاص
۴	امکان غافلگیری و شکست، نتیجه ی عدم آموزش و اجرای قواعد جنگی
۴	مثال عینی
۵	طلبه ها، در خط مقدم مبارزه
۵	نیاز به کار و تجربه ی متفاوت برای کار در فضای مجازی
۵	اهمیت مضاعف فضای مجازی، به خاطر بی مرز بودن
۵	استفاده ی دشمن از غرایز حیوانی در این فضا
۶	وظیفه ما، کشف رموز فطری و کار بر اساس آن در این فضا
۶	لزوم بررسی ضرورت ها و آسیب ها
۶	جهانی بودن دین ما، نکته ی وضوح ضرورت ها
۷	لزوم جامعه شناسی برای بهره بردن از آمادگی های فطری انسان ها
۷	اتلاف وقت، از تبعات کار بی پشتوانه
۸	لزوم تقسیم کار در فضای کلان
۸	اهمیت و آثار توجه به تخصص ها و مهارت ها در تقسیم کار
۱۰	سوالات
۱۰	سوال ۱: چگونگی مراقبه در ظلمات فضای مجازی
۱۰	بحث در این است که ما باید خودمان را قوی بکنیم
۱۲	سوال ۲: تربیت در فضای مجازی
۱۴	سوال ۳: همفکری و همراهی با گروه های فعال مثل دفتر تبلیغات
۱۴	سوال ۴: رموز فطرت در فضای مجازی
۱۵	سوال ۵: کشف و جذب افراد دنبال حقیقت در فضاهای آلوده
۱۵	سوال ۶: کار در فضای مجازی یا حقیقی

وجود قواعد برای جهاد در فضای مجازی

ورود در فضای مجازی، نوعی جنگ

ورود در فضای مجازی به این عنوان که با دشمن مبارزه میکنیم، در واقع نوعی جنگ است. جنگ هم قواعد خاص خودش را دارد؛ اگر چه این جنگ، شکل متفاوتی دارد، ولی قواعد جنگ ثابت است.

آرایش نیرو، اصلی با قواعد خاص

در جنگ [نظامی] آرایش نیرو یک اصل است که قواعد خاص خودش را دارد، باید آرایش نیرو باشد. اطلاعات عملیات، یک اصل است و ما تا اطلاعات عملیات نداشته باشیم دست به هر عملیاتی بزنیم خودمان شکست میخوریم. موضوع غافلگیری، کمین گرفتن و شبیخون زدن، یک اصل است، یک قاعده ای است برای خودش و این قواعد نقش تعیین کننده ای دارند. زمان حمله، مواظبت از ضد حمله یک قواعدی دارد. این نیست که ما حمله کردیم کار تمام شد. پیش بینی های ضد حمله را باید داشته باشیم. مدل های آموزشی و تربیتی نیرو، قاعده خاص خودش را دارد. بحث امکانات، تدارکات، پشتیبانی یا دیده بانی، نقش خاص خودشان را دارند، یا در آرایش نیرو، تک تیرانداز کار خاص خودش را دارد، توپ خانه نقش خودش را دارد. ایجاد جو و جنگ روانی خودش یک چیز کثیفی است و قواعد خاص خودش را دارد. در جنگ با دشمن به هر شکلی که می خواهد انجام بگیرد، دشمن شناسی و دوست شناسی [نیز قواعد خاص خودش را دارد].

امکان غافلگیری و شکست، نتیجه ی عدم آموزش و اجرای قواعد جنگی

از آنجا که فضای مجازی [عرصه] نوعی جنگ است، پس نیازمندیم که یک دور، قواعد جنگ [نظامی] را در این نوع کارزار تطبیق داده و بررسی کنیم. تا این شناخت به درستی تبیین نشود و تدبیر بر امور پیدا نکنیم، بعید نیست که غافلگیر شویم.

مثال عینی

پنج سال پیش یکی از دانشجویان تشریف آورده بود و خیلی آه و ناله می کرد و نگران بود، می گفت: آقا، یکی از رفیق هایمان حالش خیلی خراب است و کارش به خودکشی کشیده است. شروع کرد رفیقش را توصیف کند که دانشجوی جوان پرکار و غیور و عجیبی بود... گروهی را راه انداختیم با عنوان مهدویت، که هر چه شبهه در دنیا مطرح میشد [در این زمینه]، یکی اینها را جمع آوری می کرد و پاسخ هایش را پیدا میکرد و یکی اینها را منتشر می کرد. تقسیم کار داشتیم و کارها هم خوب پیش می رفت. خلاصه یک خانمی، خانم هم نمی شود گفت، یک مطربی، یک #مزخرفی با سیاست های عجیب روانشناسانه، آن بزگوار را به دام می اندازد و بالاخره مدتی بر روی او کار میکند و او را به دام می اندازد و کار به جایی میرسد که او کم کم علی رغم میل باطنی اش، گرفتار میشود... که الان کارش به خودکشی رسیده است. رفته بود دشمن را بزند که خودش گرفتار کمین شده بود. حالا یک جلسه آمد پیش شما حالش مقداری خوب شده است ولی مثل سابق نشد. به هر حال این هم نوعی جنگ است و تمام قواعد در اینجا نیز جریان دارد. پس بحث اول این شد که؛ ورود در فضای مجازی نوعی جنگ است و جنگ قواعد خاص خودش را دارد و ما در ورود به این فضا، باید این قواعد را تطبیق بدهیم که کدام بُعد از کدام بخش، مربوط به کدام یک از این قواعد است و گرنه در این جنگ، غافلگیر می شویم.

طلبه ها، در خط مقدم مبارزه

مطلب دوم اینکه: آیا ما مخاطب تاکیدات و اوامر حضرت آقا [برای فعالیت در فضای مجازی] هستیم یا نه؟ وقتی حضرت آقا -این زبان نظام و اسلام در جهان امروز- تاکید دارد برای فعالیت در فضای مجازی، واضح است که پیامهای مهمی وجود دارد، به خصوص که با عبارت های خاصی هم تاکید می کنند. البته این حکم معلوم است که مخاطبش کیست! به قرینه حالیه اش اقتضا می کند کسانی که در میدان مبارزات فرهنگی و اعتقادی هستند منظور باشند، نه عموم مردم که بعضی شاید آدرس خانه اش را هم نمی تواند بخواند. پس به قرائن مختلف ثابت است که اتفاقاً شاید در این فضای خطاب، عزیزان [طلبه] در خط مقدم این جنگ باشند.

نیاز به کار و تجربه ی متفاوت برای کار در فضای مجازی

مطلب سوم، این است که فضای مجازی به خاطر پیچیدگی هایی که دارد، یک تجربه دقیقی لازم دارد؛ چرا که برای تمامی مواردی که در فضای غیر مجازی با آن روبرو بودیم و با آن مواجه بودیم -اعم از مسائل آموزشی، تبلیغی، فرهنگی، تربیتی و مسائل گوناگون دیگر- مخاطبین در آن نیز انسان هستند، پرنده ها نیستند، حشرات و حیوانات نیستند، همه مخاطبین انسان هستند و وقتی مخاطب انسان هست، کلیه مسائلی را که در شرایط حضوری لازم است [مراعات کنیم] و با آن مواجه هستیم، در اینجا هم جاری و ساری است، لکن با این فرض که در فضای حضوری، تجربیات کافی را داریم و در طول سالهای متمادی در تاریخ، تجربیات جمع آوری شده و به دست ما رسیده است. اما در فضای مجازی، در آغاز حرکت هستیم و نیاز به یک سری تجربیات خاصی هست که باید اینها لحاظ شوند. پس در این زمینه فرق وجود دارد؛ چون تجربیات جدید است، نیاز به احتیاطات و یک سری برنامه ریزیهای خاصی هست. اما در اصل موضوع [مواجهه] در هر دو [فضا]، به لحاظ اینکه مخاطب ها انسان هستند، دیگر تفاوتی نیست.

اهمیت مضاعف فضای مجازی، به خاطر بی مرز بودن

مسأله دیگر این است که ما در فضای مجازی با جهان مواجه هستیم، در فضای حقیقی به لحاظ جغرافیایی و موانع دیگر، یک محدودیت هایی داریم که اقتضائات خاص خودش را دارد. اما در فضای مجازی همه این محدودیت ها برداشته شده است. اینجا نشسته ایم ولی به یکباره با فرانسه، یا در قلب دشمن با یک کسی ارتباط می گیریم، از این رو شاید مسأله فضای مجازی اهمیتش مضاعف باشد نسبت به آن اموری که در فضای حقیقی داشتیم.

استفاده ی دشمن از غرایز حیوانی در این فضا

کما اینکه دشمن از همین [فضا]، استفاده اش را کرده است؛ -چون که انسان ها تسلیم غرائز حیوانی خودشان هستند- برای آنها فضای حضوری هم لازم نیست. بشر، رموز غرایز حیوانی انسانها را کشف کرده است. او با گوشت و پوست و استخوان انسان ها که کار ندارد! این همان فرستنده های امواج است که صادر میکنند و آن گیرنده ها باید امواج او را بگیرند. این هم غرائز حیوانی اش است که آن را صادر می کند و با رموزی که استفاده کرده او را پیدا می کند. به عنوان مثال از طریق ماهواره فلان عکس مزخرف را صادر می کند و در عرض یک دقیقه، یک میلیون انسان را زیر و رو می کند. این رموز را کشف کرده است و متناسب با آن، [این عکس را] فرستاده و خودش نشسته آن طرف [دنیا]. با علم کار می کند، علم ابلیسی، با الهامات ابلیسی که قرآن در آیاتش متذکر شده است. کار را به جایی رسانده که پدری که باید مواظب

فرزند دل‌بند خودش باشد؛ در آغوش همان پدر، این سمّ را به فرزندش می‌خوراند. و حتی پسر یا دختری که می‌خواهد طرف ماهواره نرود، پدر الزام می‌کند که باید برود دنبال آن. چرا؟ چون می‌گوید؛ می‌ترسم تو بچه‌زمانه نشوی! و جوان‌زمانه نباشی! ببینید سیستم حمله دشمن را. فقط این نیست که آمده و دو تا تیر زده و می‌خواهد بکشد. از قبل تک‌تیرانداز را فرستاده، اطلاعات عملیاتش را فرستاده و زمینه‌های حمله را فراهم کرده است و الان یک فیلم را ارسال می‌کند و فوراً جواب می‌گیرد. قبل از آنکه ماهواره راه بیفتد، یک مقدمات دیگر راه افتاده که امروز پدر می‌گوید؛ می‌ترسم تو جوان‌زمانه نباشی! به هر حال، پس او رمز انسان را کشف کرده و بر [اساس] آن رمز، کار می‌کند در حالیکه رمز انسان یعنی فطرتش بسیار قوی‌تر از غریزه حیوانی اوست.

وظیفه ما، کشف رموز فطری و کار بر اساس آن در این فضا

ما باید بنشینیم و کار کارشناسی بکنیم، نگوییم که کار تمام شد. نخیر! او توانسته است رمز بُعد غریزه حیوانی انسان را پیدا کند و مناسب آن عملیاتش را انجام دهد در حالی که انسان رمزی عمیق‌تر از این دارد به نام فطرت. خب، باید روی آن کار کنیم و ببینیم فطرت چیست؟ رموزش کدام است؟ چگونه میتوان آن را کشف کرد؟ و روی انسان، عملیات انجام داد؟ که وقتی [محصول فطری] را به آنجا فرستادیم، آن را بگیرد و فوراً آن را بپذیرد. وقتی پرتاب شد، درست در قلب او بنشیند. علی‌ای حال به صورت مصداقی اشاره می‌کنیم که اصل موضوع روشن شود. پس اکنون در فضای مجازی، با کل جهان مواجه هستیم، منتهی با رموز خاص خودش. باید [آن رمز را] کشف کنیم و قاعده مند عملیات کنیم.

لزوم بررسی ضرورت‌ها و آسیب‌ها

مسأله دیگر این است که؛ [در زمینه فضای مجازی] هم باید ضرورتها را بررسی کرد و هم آسیبها را.

جهانی بودن دین ما، نکته‌ی وضوح ضرورت‌ها

ضرورتها که خیلی واضح است چرا که دین ما دین جهانی است، قرآن جهانی است. این انقلاب برای ظهور حضرت حرکت جهانی می‌خواهد. امام چه کار کرد؟ امام آمد رمز فطرت انسانها را کشف کرد، [سر و] کار او با فطرت بود. و خودش می‌فرماید: این انقلاب یک تحول فطری در انسان‌ها بوده است.

بنده از باب مثال عرض می‌کنم و نمی‌خواهم وارد بحث فطرت بشوم، این [تحول] مصداقا چگونه صورت می‌گیرد؟ آنها با آن گستردگی، رموز غریزه حیوانی را باز می‌کنند، چگونه؟ خب الآن دشمن به صورت پیچیده‌ای کارش را انجام می‌دهد. شاید آنقدر به فرهنگ و [جغرافیای] بعضی از روستاهای ما آشنایی دارد که حتی حیاط محله‌ها را هم بلد است؛ مثلا کدام محله با کدام محله اختلاف دارند را هم میداند. [در حالی که] شاید مردم روستای کناری اصلا پایشان را هم آنجا نگذاشته باشند! [اما دشمن] جامعه‌شناسی کرده، روانشناسی کرده و روی قاعده دارد کار می‌کند. کما این که تسلیحات هم همینطور است، ما چقدر چماق بدست بگیریم و دشمن را بزنیم! چند تا تیر و کمان بزنیم! [اما] دشمن "علم" را به کار برده است. مواد منفجره را از علم فیزیک، از علم شیمی، از علوم دیگر [بدست] آورده و دکمه را فشار می‌دهد، بمب منفجر می‌شود و ده‌ها هزار نفر را می‌سوزاند. خب این سوء استفاده از علم است.

لزوم جامعه‌شناسی برای بهره بردن از آمادگی‌های فطری انسان‌ها

ما [هم] اگر جامعه‌شناسی کنیم و بخشی از تشکیلات را پشتیبانی از برنامه ریزی قرار دهیم -علاوه بر برنامه ریزی-، میتوانیم کارهای بزرگی انجام دهیم. به عنوان مثال؛ در فلان کشور، در فلان منطقه [مردم] از غرائز حیوانی خسته شده‌اند و دشمن [هم] شدیداً خسته شده است. خب؛ این یک جامعه‌شناسی می‌خواهد، آنجا آماده است تا ما دو کلمه فطری [انسانی] در اختیارش بگذاریم و او فوراً بگیرد.

چطور دشمن می‌آید [و این کار را میکند]؟ جنگ است دیگر. او جامعه‌شناسی کرده است که فلان منطقه، زنانش مثلاً از حجاب خسته شده‌اند یا خسته نشده‌اند! به اصطلاح این عملیات‌های مقدماتی را به کار برده و آماده کرده است. حالا عین این [مسئله] در منطقه خودشان [نیز] هست. آنها هم از بی‌حجابی خسته شده‌اند. آنها از لابلای گری خسته شده‌اند، ما اگر جامعه‌شناسی داشته باشیم، ما اگر یک مطلب را از وضعیت حضرت زهرا سلام الله علیها درست جمع‌آوری کنیم و به تناسب روز [برایشان] بفرستیم، زود آنجا [پا] می‌گیرد و نتیجه می‌دهد.

اتلاف وقت، از تبعات کار بی‌پشتوانه

این رمز [کار] است و اینطور نیست که مثلاً فقط یک کانال باز کنیم و ده تا جوان را [دورهم] جمع کنیم و دوستان را هم بیاوریم و کار تکراری انجام بدهیم! مثلاً در کانال هم کارمان این است که محل فلان جمله، فلان جاست! و در کانال [صرفاً] دورهم باشیم. خب [این] خوب است و خیلی عالی است. ما اگر بناست واقعا وارد جنگ در فضای مجازی شویم، باید یک نگاه جنگی [و مبارزه‌ای] داشته باشیم و قواعد جنگ را پیاده کنیم. این تک‌تیرانداز ما، الآن تکلیفش چیست؟ پس یک بخشی باید [وظیفه‌اش] تقسیم کار باشد. ببینید دشمن چکار میکند!

دو سال پیش یکی از عزیزان بود که خیلی هم افتخار می‌کرد و می‌گفت؛ آقا من نفوذ کردم در یک گروهی و رمزشان را هم با چه سیاستی پیدا کردم، هر چه شبیه می‌آوردند درجا جوابش را می‌زدم توی دهانشان. آقا! چند ساعت وقت می‌گذاری؟ گفت؛ پنج ساعت فقط برای این کار می‌کنم. چهار، پنج ساعت وقت می‌گذاری، چند نفر را هدایت کرده‌ای؟ بعد چی؟ تازه، بدتر از همه، فهمیدند که تو آدم با استعدادی هستی و تو را به خوبی بازی می‌دهند. چهار ساعت در هر موضوعی آنها شبیه می‌پراندند و من هم می‌روم.

این قضیه انسان را به یاد آن حکایتی می‌اندازد که شیطان بر یک بزرگواری مجسم میشود و او شیطان را نصیحت می‌کند. شیطان هم خیلی نرم گوش میکند و ایشان هم خوشحال میشود که به به! انگار شیطان هدایت میشود. از او گفتن و از شیطان تایید کردن! بعد از یک ساعت [شیطان] میگوید: فلانی من همه اینها را میدانم، میخواستم یک ساعت [از] وقت تو را تلف کنم. میگوید: عجب! این همه انبیاء نتوانستند او را هدایت کنند، این [فکر] هدایت شیطان چه بود که به مخیله ام افتاد؟ بدتر از تلف شدن یک ساعت اینکه، فکر من چه جسارتی محضر انبیاء علیهم السلام [بود] که آنها نتوانستند او را هدایت بکنند اما من انگار که هدایت میکنم!

امروز هم شبهات طرح میشود و [القا میشود که] فرد بیاید و جواب شبهات را بدهد، یکی پس از دیگری. تا فقط وقت افراد گرفته شود و یک استعداد قوی برای یک کانال و یک گروه، یک شبانه روز مشغول گردد که میتوانست کارهای عظیمی را برنامه ریزی کرده و طراحی کند.

لزوم تقسیم کار در فضای کلان

در امور جنگ، اینکه فرد به تنهایی جلو برود و بخواهد تمام کارها را خود انجام دهد، جواب نمی دهد. [در این عرصه نیز] باید تقسیم کار شده و آرایش جنگی معلوم شود. همچنین بایستی معلوم [گردد] که هر فردی در [کدامیک از] تغذیه یا تهیه مطلب استعداد دارد. همچنین ممکن است فردی در راه اندازی کاری مستعد باشد و یا حتی امکان دارد در فضای مجازی در بخش اطلاعات عملیات بتواند فعالیت کند. [بدین معنی] که در کدام منطقه باید وارد عمل شد؟ و نیازهای چه قشری از جوانان در چه زمینه ای است؟ باید تقسیم کار [انجام گیرد و] هر فرد، در هر زمینه ای که استعداد دارد [وارد شود]. چون اگر همه در فضای مجازی ورود پیدا کنند؛ آن وقت به پشتوانه این کار یک مطالبی را آماده کرده و در بیانی روان و روانشناسانه، یک چیز را گذاشته و یک چیز را میگیرد؛ آن وقت، کسی که در خط مقدم است و مستقیماً درگیر است، زایل می شود [ولی] در تقسیم کار، همیشه مجموعه وارد میدان می شود و حمله، حمله ی کارسازی است. بنابراین ضرورتها و آسیبهایی وجود دارد و اینها وقتی میتواند هدف مورد آسیب [را] به حداقل برساند که روی یک سیستم و سازماندهی برنامه ریزی شده ای باشد که بعد از آشنایی با قواعد هر قسمت از این فضا، هر فردی که استعداد فعالیت در آن بخش را دارد در آن قسمت مشغول شود و وارد محیط کلان فضای مجازی گردد.

اما فضای کلان چیست؟ فضای کلان، آن تاثیر برنامه ریزی هاست که جذبه های خاص خود را دارد. به عنوان مثال در یکی از دانشگاه ها، حرکت دشمن بسیار قابل توجه است و به عنوان یک مهارت تبلیغی قابل ملاحظه می باشد. دشمن بصورت روانشناسانه در خوابگاه دانشگاه وارد شده و تعدادی دختر و پسر (بدبخت) [را تشویق کرده که] رقص و موسیقی را در آنجا به راه بیاندازند. بعد [الفا میکند که موسیقی] آن خوابگاه، از موسیقی شما هیجان انگیزتر است. مقابل هم قرار دادن اینها و ایجاد رقابت، نکته روانشناسی است و [دو گروه] را رقیب هم قرار میدهد و علاوه بر جذابیت های غرایز حیوانی، به رقابت افتادن خود این دو گروه، باعث شده در مدتی شاید کمتر از یک ماه، بیش از پنج، شش هزار نفر جمعیت جذب این حرکت شود و همچنان هم این کار ادامه دارد و گسترش پیدا میکند. خود [دانشجویان] به نشر منکرات می پردازند. [این حرکت به گونه ای بوده] که تقریباً آن منطقه و محدوده دانشگاه به وحشت افتاده است. چون تعدادی، نمی توانند بفهمند که چه چیزی در حال وقوع است. که البته اگر اراده حل مشکل باشد، قابل حل است. [این حرکت] مرتب رو به رشد است و چند هزار نفر را در مدت کوتاهی با این مهارتها جذب نموده است. [حال، چگونه ممکن است] مجموعه ای، یک سری کارها را انجام بدهد و بخواهد پنجاه نفر را جذب کند؟ صد نفر را جذب نماید؟ اما حرکت مقابل او صدها برابر افراد این مجموعه را جذب نموده است. لذا بایستی نوع مهارت به کار بسته شده و روش روانشناسی آن حرکت دشمن به درستی فهمیده شود.

اهمیت و آثار توجه به تخصص ها و مهارت ها در تقسیم کار

البته میتوان مهارتها را در بخش خودش به کار گرفت و تقسیم کار کرد بدین معنا که وقتی فردی در بخش روانشناسی تبلیغ، مسئول شد، بایستی در حیطة مسئولیتی خود متمرکز شده و کاری به بقیه حوزه ها نداشته باشد. و همچنین است وقتی که فردی مسئول محتوای مطالب می شود.

یعنی این شخص باید تمام توان خود را صرف در رساندن محتوای متناسب با نیاز مخاطب، آنهم با قلمی روان نماید. که از این قلم روان، بایستی استفاده کرد، همان گونه که دشمن نیز از آن بهره می برد^۱.

صرف اینکه مطلب بگذاریم کافی نیست مثلا بیایم اعتقادات را بگذاریم. اینها یک بخش تخصصی می خواهد که ببیند این مطلب را باید با چه روانشناسی عبارت پردازی کنیم.

چرا تا آن مطلب را می گذارند هزاران جوان استقبال می کنند؟ چون دشمن رمز غرایز حیوانی شان را باز کرده. نه اینکه این جوان دنبال غرایز حیوانی باشد؛ این جوان سرگردان است. آن ها جامعه شناسی کرده اند.

مطلبی که اگر جوان سرگردان را به آن توجه دهیم، آرامش [کاذب] او را می گیرد این است که همه او حیوان نیست. ما [رمز انتقال] این را کشف نکرده ایم و با یک عبارت سنگین و [کار] غیر تخصصی [می خواهیم کار کنیم]. فوقش پنج نفر از خودمان را می خواهد یک بخش تخصصی را راه اندازی کنیم که عبارت پردازی مطلب را بر عهده بگیرد. این امری فوق العاده مهم است.

این مهم را باید جوری تنظیم و عبارت پردازی کنیم که وقتی این جوان کلام حق را می شنود هم فطرتش را پیدا کند و متناسب با آن باشد و چون هم مناسب روان و هم مناسب کلام او است بلافاصله آرامش بگیرد.

ما اگر بخواهیم اینگونه کاری را بکنیم باید آرایش نیرو داشته باشیم این است که اگر کسی استعداد خوبی در عبارت پردازی کلمات دارد و مطلب را خوب عبارت پردازی می کند، [وقتش را صرف همانجا بکند].

مثلا در مورد یک مطلب اعتقادی که اگر بنده بگذارم پنج نفر آقای بزرگوار، آن مطلب اعتقادی را در آن قالب عبارت پردازی بکنند، آن آرایش نیرو است. آسیب هم به حداقل میرسد.

کسی که مثلا می خواهد الان گروهی را رصد بکند و تخصص اش این است، می داند که دشمن قصد بازی دارد. او میداند که از ده شبهه ای که دشمن مطرح کرده است الان باید به چند شبهه جواب داده شود و چند شبهه ای دیگر قصد معطل کردن کار ما را دارد. او این نکته را می داند که فضای مجازی چه خبر است و او مجموعه حرفش در این نکته است.

مجموعه حرکت این سیستم است که وقت هم آزاد است و اگر هر فرد از این مجموعه روزی یک ساعت وقت بگذارند اگر بیست نفر باشند می شود روزی بیست ساعت کار مفید و یک کار بسیار قوی تحویل جامعه می دهند.

۱- به عنوان [مثال] یک کتابی که به چاپ دهم هم رسیده و مطلبی هم ندارد، اما به خاطر قلم ماهرانه نویسنده، خواننده میشود. در آن کتاب نویسنده مطالبی را که شهید مطهری آنها را آورده، در قالبی دیگر همراه با افکاری التقاطی و با استفاده از جاذبه های کلام شهید مطهری با قلمی ساحرانه به مخاطب ارائه می کند. [می گفتند] با افکار مسموم خودت تو غوغا کردی غوغا!!! کار به جایی رسیده بود که در جامعه دقیقا مقابل شهید مطهری قرارش داده بودند؛ اگر گفته می شد شهید مطهری میگفتند فلانی. قبل از شهادت شهید مطهری بنده خودم شاهد عینی بودم که اگر در جامعه کسی را می دیدند که در دستش کتاب شهید مطهری را دارد یک جو روانی عجیبی راه می انداختند که اصلا جوان از خودش خجالت می کشید که چرا کتاب شهید مطهری را در دست دارد! بعد همان افراد با افتخار می گفتند که ما فلان کتاب از فلان نویسنده را می خوانیم. این همان رموز تبلیغات است. همه محتوا اینجاست اما آن ظرافت های روانشناسی تبلیغی را ببینید چقدر تاریخچه عجیبی دارد!

سؤالات

سوال ۱: چگونگی مراقبه در ظلمات فضای مجازی

• سؤال:

آیا شما ظلمت این فضا را قبول دارید؟ و اینکه ارتباط دوستانی که مخصوصا اهل مراقبه هستند با این فضا چگونه ارتباطی باشد که انرژی هایشان خالی نشود؟

• جواب:

ظلمت اتفاقا بخش بعدی عرایض بنده بود. اساسا این عالم ظلمت است یعنی ما کلا در ظلمت فرو رفته ایم. خداوند ما را که آفرید در ظلمت انداخت در این عالم اسفل السافلین.

ظلمت و گناه! در مبارزه با اینهاست که دوباره برمی گردیم «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^۱ غرض از مسایل تربیتی همین است. اینجا ظلمت بعض فوق بعض است؛ خیلی ظلمتش زیاد است. بله همانطور که عرض کردیم مثلا اگر یک نفر احساس مسئولیت می کند و می آید یک تنه وارد فضای مجازی می شود این فرد در ظلمت گرفتار می شود. چرا؟ چون تمام وقتش را می گیرد؛ از مطالعه و... [می ماند] بعد به مرور زمان همین آدم تا مرز خودکشی می رود!

همه این ها را ما، آن وقت که در قالب یک سیستم طراحی کردیم و تقسیم کار صورت گرفت و برای هر یک از افراد این سیستم شد یک ساعت این یک ساعت برای هر فرد قابل کنترل است آسیب را ندارد و با آرامش است و مکمل [یکدیگر] و هم تخصصی است.

[فردی می گفت] من از یکی از اساتید اخلاق پرسیدم وقتی در فضای اینترنت، وایبر و غیره میروم خیلی حالم میگیرد. آن استاد بزرگوار فرمودند که من خون میبینم و از باب اکل میته جایز می بینم اینترنت را. منظورم این است که ظلمت حقیقی یک ثانیه اش هم برای آن هایی که احساس می کنند، اذیت آور است. فصل الخطاب ما، حضرت آقا هستند چه در مسایل ولایت و چه در مسایل حکومت؛ چرا که فرمانده کل قوا و نایب عام حضرت بنا به قرآینی ایشان بوده و حکومت دست ایشان است. با همه این شرایط، عبارت هایی برای تصریح، تاکید با شکلهای مختلف بیان میشود، این مطالب برای همه راه را مشخص می کند.

بحث در این است که ما باید خودمان را قوی بکنیم

البته این مطلب بحث بعدی بود حالا که حضرت عالی مطرح فرمودید الان بیان می کنیم و آن مطلب اینکه گاهی میخواهیم سوال در ذهن سوال کننده بیاید و گاهی عکس این مطلب است یعنی می خواهیم سوال کننده دنبال پاسخ سوال برود. بعضی از سوالها هستند که می شود آنها را با یک بیانی رقیق کرد، تا در حد فهم مثالی برای پاسخ سوال باشد و گاهی برعکس. از این طرف یعنی خود سوال کننده باید قدری رشد کند و تا حدی برسد که بتواند به جواب برسد.

گاهی مثلا انسان خودش یک سری آمادگی ها را پیدا نمی کند و به خاطر ضعف هایش، میدان عملیات را خیلی محدود می بیند و با خود می گوید این مطلب را همین مقدار انجام بدهیم کفایت می کند؛ در حالی که مساله بر عکس است این رئیس،

عالم خودش را رشد می دهد. چرا که این میدان گسترده است و خدا اجازه داده و این ما هستیم که ریشه خودمان را تقویت می کنیم تا این میدان ها را تجربه کنیم.

فرض بفرمایید الان اگر قضایای انقلاب بود و در آن زمان وقتی که حضرت امام (ره) می خواستند انقلاب کنند بعضی دیدگاه ها بودند که می گفتند ما همین که فریاد زدیم و به دشمن نشان دادیم که علما و روحانیون چه قدرتی دارند که با یک کلام آنها، مردم می ریزند به خیابان ها و دشمن می ترسد، این کفایت و غرض حاصل شده و در کنار آن یک عده دیگر دیدگاهی داشتند که این مقداری هم که مردم ریختند در خیابان ها به برکت سختی هایی است که این افراد در ساواک می کشیدند و همین طور دیدگاههایی هم بودند که می گفتند همین که شاه تسلیم شد کفایت، شاه گفت غلط کردم کار تمام شد و صاحب این دیدگاه می گفت من هیچ کاری با هیچ کس ندارم فقط بگذارید در مقام خودم باشم و دیدگاهی بیش از این ندارد یعنی دایره میدان عملیات را به لحاظ کمی، به ظرفیت خودش محدود می کند و می گوید این مقدار کافی است. اما امام اعتقاد داشت که بله، شاه رفت اما هنوز ما با ارباب شاه، کار داریم؛ این میدان عملیات، به لحاظ سعه وجودی هر فرد، باز می شود وقتی که جنگ از مرز خودمان بیرون رفت و می خواست به فاو برسد یک عده به امام فشار آوردند که شما دارید به خاک [عراق] تجاوز می کنید ولی امام فرمود؛ نه. این دفاع است و تا دشمن دست از شرارتش برنداشته است باید تا درون خانه دشمن هم برویم. این میدان عملیاتی بستگی دارد به این که انسان چقدر خودش را تقویت کند و بحث در این است که ما باید خودمان را قوی بکنیم. چرا که وقتی خودمان را قوی می کنیم می بینیم میدان های عملیاتی جلوتر هستند و اینهاست که خاکریزهای اول دشمن هستند. خاکریز مرکزی که موشک را از آنجا پرتاب می کنند جلوتر است و آنجا را باید فتح کرد؛ اگر ما تسلیم بشویم دست از سر ما برنمی دارند. نهایت تاکتیک نشان می دهد تا زمانی که مرکز شرارت ها موشک پرتاب می کند، ما هنوز در معرض خطر هستیم.

الان در سوریه ملاحظه کنید تا یک مقداری [فشار زیاد می شود] فوراً همه می ریزند که آتش بس، بعد از آن تبلیغ می کنند که تمام شد این ها برای آتش بس رفتند با شما کاری ندارند! یعنی چه که کار ندارند؟ اینها دست بردار نیستند. ما در تاریخ چقدر نمونه داریم که قدم به قدم آمدند. اما زمانیکه مقداری طرف مقابل از خود مقاومت نشان داد آتش بس کردند و رفتند دنبال کارشان، آرایش نو کرده، تجهیزات آماده کرده دوباره حمله غافلگیرانه ای در زمان دیگر انجام دادند.

فلذا اگر در میدان جنگ قرار باشد بستر ورود به فضای مجازی را به عنوان یک جنگ تعریف کنیم باید با قواعد آن، خودمان را تقویت کنیم، باید خودمان را بالا بکشیم و خودمان را رشد بدهیم؛ شاید مناسب نباشد که با صرف این که آسیبی متوجه شدیم به عقب برگردیم. مثلاً روایاتی داریم که در آخرالزمان این قضایا روی خواهد داد، اگر نگاه ابتدایی بکنیم انسان را ناامید می کند اما باید شما به روایات نگاه هوشیارانه بکنید که در این صورت میبینید روایات نمی خواهد بفرماید نگه داشتن ایمان کار سختی نیست بلکه می خواهد بفرماید خودت را برای چنین زمانی آماده کن، کمر همت را برای تقویت خود بند، خودت خودت را آماده کن.

فلذا آسیب هایی که هست را باید مطالعه بکنید، در کنار دیگر ضرورتها این ضرورت است. وقتی حکم فرمانده قوا، حکم مقام ولایت هست آسیبها را باید چکار کنیم؟ کاملاً درست، آسیبها هست اما آسیبها را باید چکار کنیم؟

خودمان را باید تقویت کنیم همین سیستم سازی یک تقویت هست؛ یک وقت من خودم تنهایی دنبال انجام کاری می روم و یک وقت هم هست که در یک سیستمی قرار می گیرم که این قواعد را می آورد زیر تخصص. کار تخصصی می شود؛ وقتی

تخصصی شد بُرش دارد؛ آسیب به حداقل و برش به حداکثر میرسد. چراکه آسیبه‌ها زیاد هستند برای اینکه فعالیت‌های فردی، فعالیت‌های سلیقه‌ای آسیبه‌ها را زیاد می‌کنند.

لذا سیاه دلی، بعد از تبلیغ محضر یکی از بزرگواران - که خداوند متعال روحش را شاد کند- مشرف شدند و در محضر ایشان از حالات خود گلایه کردند که: آقا، چرا وقتی من به تبلیغ می‌روم، وضعم بدتر می‌شود؟ مثلاً نماز قضا می‌شود؟ فلان کارم فلان طور می‌شود و غیره!

آن بزرگوار می‌فرمودند: نه! این مسائل مربوط به تبلیغ رفتن شما نیست، اینها همه مربوط به صفت عجب است که وقتی بالای منبر بودید، شما را گرفته است. و إلا اصل تبلیغ رفتن یک وظیفه است. اگر مشکلی پیش آمده مربوط به آن عجب است که وقتی ده نفر دورت جمع شدند، یک لحظه غفلت شما را می‌گیرد، آنجا باید مواظب باشیم. حال این مشکلات، از جانب عجب است نه بخاطر تبلیغ که یک امر مسلم قرآنی، فقهی، عقلی، بدیهی و سفارش اهل بیت می‌باشد.

در شرایط فعلی هم وقتی دیده بان جهان اسلام در مورد فضای مجازی آن عبارات را به کار می‌برند، معلوم می‌شود که شرایط جهان، شرایط دیگری است و ما باید ببینیم خودمان را چگونه متناسب با آن تربیت کنیم و نواقص را برطرف سازیم تا اینکه این آسیب‌ها به حداقل برسد. و إلا جنگ توأم با آسیب و تلفات است اما باید با به کار بستن عوامل دفاعی، این آسیب‌ها را به حداقل رساند.

سؤال ۲: تربیت در فضای مجازی

• سوال:

آیا تربیت در فضای مجازی [ممکن است]؟

• جواب:

تربیت دارای مراحل است. یک وقت تربیت در مرحله اصلاح اندیشه است که البته این خیلی خوب و عالیست، حتی یکی از لوازم مسائل تربیتی است و در پیشروی انسان لازم است. اما -مجدداً برمی‌گردیم سر بحث قبلی که- با چه عباراتی در زمینه اصلاح اندیشه کار کنیم؟

مطلب دیگری که در تربیت خیلی مهم است، این است که ما بیایم معنای واژه گناه - که این جوان تا بحال یک معنای خیالی و عامیانه‌ای در ذهن خود از آن داشت و چه بسا تمسخر هم می‌کرد- را درست تبیین کنیم، با زبان فطری به او خوب بفهمانیم که آقا مثلاً تا حالا شده که قوانین بهداشتی را تمسخر کنی؟ تا بحال شده مسواک زدن را تمسخر کنی؟ باید توجه داشته باشیم که بین قوانین خلقت، به شدت جنگ است. گناه یعنی چه؟ یعنی هرچیزی که برخلاف خلقت و آفرینش انسان است.

پس وقتی آن تصور غلط از گناه را - که خدایی در آسمان هست و پیامبری در زمین بوده و اینکه فرموده گناه نکن، دستور خداوند به پیامبر بوده و اگر حرفشان را گوش نکنم غضبناک و عصبانی می‌شود- با یک بیان صحیح و فطری، تبیین کردیم، آن وقت اصلاً خودش می‌گوید مطلب همین است و جز این نیست. پس اصلاح واژه‌ها خیلی مهم است. واژه‌هایی را که برای جوانان، بصورت اشتباهی معنا می‌کنند، ما اینها را درست معنا کنیم، آن هم با زبان فطری خودشان.

در تربیت فضای مجازی، تقوای عمومی هم خیلی لازم است. اتفاقاً در تقوای عمومی - بعد از مرحله اصلاح اعتقادات - زبان فطری اصلاح واژه‌ها می‌شود به زبان فطرت و مصادیق عینی در متن جامعه و تمام این مطالب برای او باز می‌شود پس تقوایی که معنای آن با زبان فطری بیان شد، اصلاً به سمت پاکی می‌رود.

بقیه می‌ماند برای به اصطلاح مرحله تخصصی مسائل تقوا، آن جا یک آدرس می‌دهیم برایش سوال‌هایی لازم شد فلان آدرس ارتباط خاص برقرار کند اینجا دیگر می‌رود به سمت ما. دیگر در این فضا به اصطلاح افراد را وارد فضای مجازی نمی‌کنیم.

تا اینجا ما رفتیم به سمت مردم از آن جا به بعد، مردم می‌آیند به سمت آن. همچنانکه فرمایش امیرالمومنین (علیه السلام) هم همین بود، ایشان می‌رفتند به سمت جامعه که آن را هدایت کنند. طیباً دوآر بودند. به مردم بیداری بدهند، آگاهی بدهند، رشد فکری بدهند، تحول ایجاد کنند، مبارزه کنند، جنگ کنند و وقتی از بین آنها کسانی پیدا می‌شدند، می‌آمدند خدمت امام (علیه السلام) که آقا من می‌خواهم دست به دامن شما بشوم، من بیدار شده‌ام، الان فهمیده‌ام که خود سر نیستیم. این سیستم هست که میتواند در فضای مجازی هم بخش تقسیم خودش را داشته باشد. مثلاً در استان‌ها، شهرستان‌ها، دانشگاه‌ها، پنج نفر آنجا، صد نفر آنجا، جمع می‌شویم و یک سری مطالب تنبّهی و تذکری روح آفرین و تقویت کننده روحی بیان می‌کنیم، این خیلی جالب است و واقعا خیلی هم مفید است. این مسئله مجموعه عزیزانمان را جمع و جور می‌کند و همیشه سر حال نگه می‌دارد. ولی رسیدگی به مسایل شخصی در آن فضا مطلقاً دیگر درست نیست.

در مورد حضور و فعالیت در گروه‌های مختلف، فعلاً باید احتیاط کنیم و نباید در فضاهای اختلافی وارد شویم. زیرا فعلاً باید این تجربیات اولیه کاملاً تثبیت شود و تجربیات کافی به دست بیاید. در این سیستم یک سری فراز و نشیب‌هایی پیش می‌آید که این‌ها باید بگذرد تا پختگی کامل به آن معنا حاصل شود. مگر اینکه مثل این ارتباطات یک طرفی و خاصی باشد که اساتید خواهران با خواهران دارند و برادران با برادران دارند که این مسئله هیچ اشکالی ندارد، خیلی هم خوب است. همین کار ارتباطی - به این شکلی که عرض شد - برادران دارند و خواهران با خواهران مرتبط خود دارند. چه اشکالی دارد؟ به شرطی که دیگران اجازه نفوذ نداشته باشند خیلی خوب و جالب خواهد بود.

اگر امکان آرایش نیروی تشکیلاتی وجود دارد، این کار دیگر مصداقی از انجام وظیفه خواهد بود، ولی اگر واقعاً امکان آرایش نیرو وجود ندارد باید به تناسب استعداد و با ملاحظه خطرات، تاریکی‌ها و با احتیاط خاص تکلیف را درست ادا کرد. خلاصه مطلب اینکه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ هر توانی که در وسعمان است همان تکلیف ماست و خارج از وسع، از ما ساقط است.

این مطالب مقدماتی بود که خدمت عزیزان عرض شد، اگر سروران در این رابطه تخصصی دارند و یک برنامه ریزی خاصی در مورد آرایش نیرو شکل خواهند داد، ان شاء الله در جلسات بعدی بهره مند خواهیم شد.

سؤال ۳: همفکری و همراهی با گروه های فعال مثل دفتر تبلیغات

• سوال:

فضاهایی که بیشتر دوستان در آن مشغول هستند، درون گروهی بوده و صرفاً برای تبادل افکار راه اندازی شده است ولی با توجه به فرمایشات حضرت عالی و نوع کاری که ترسیم گردید، چنین کاری مستلزم فضای خاصی است که هنوز به آن مراحل نرسیده ایم و به نظر می رسد کار تخصصی در این زمینه انجام نگرفته است اما با این وجود، الان در قم گروه هایی هستند که مشغول کار تخصصی اند مثلاً توسط دفتر تبلیغات در زمینه کلیپ سازی و کار گرافیکی آموزش هایی داده می شود. حال با توجه به وجود چنین مراکزی پیشنهاد بنده این است [آیا تأیید می فرمایید] که دوستان با آنها هم فکری داشته باشند و از ظرفیت این مراکز با مراعات کار تخصصی استفاده شود؟

• جواب:

پیشنهاد خوبی است اگر عزیزان برای تشکیل چنین آرایش نیرویی وقت کافی نداشته باشند و یا باعث اتلاف وقت شود و یا روحیاتشان مناسب این کار نباشد، می توان از گروه هایی که واقعا مطمئن بوده و سازمان یافته تر کار می کنند و دارای آرایش نیروی قوی، تخصصی و تشکیلاتی هستند استفاده کرد تا به تکلیف عمل شود. پس باید مطمئن ترین گروه را پیدا کرد که کدام بصورت قوی مشغول بکار هست و همچنین بررسی کرد که در کدام قسمت و چه بخشی می توان مشغول فعالیت شد، چه بسا ممکن است بطور مستقیم ورود در فضای مجازی نیز ممکن نباشد و صرفاً در بخش محتوا و تهیه مطالب به همکاری پرداخت.

سؤال ۴: رموز فطرت در فضای مجازی

• سوال:

شما در بخش اول فرمایشاتان فرمودید که باید رموز فطرت را در این فضا به کار برد، حال این رموز توسط شما بعینه مشخص خواهد شد؟ یا اینکه توسط خود افراد باید بررسی و پیدا شود؟
بعنوان مثال کدام امر فطری در مقابل کدام گزینه باید قرار بگیرد؟ یا اینکه یک رمز مشخص و معین وجود دارد که باید طبق آن عمل کرد؟ مثلاً فردی که در فضای مجازی تمام مقدسات حتی خدا و پیامبر را منکر می شود و به گمان می آید که دنبال جواب نیست و هدفی جز اذیت کردن و سم پاشی ندارد، درمقابل چنین افرادی چه باید کرد؟

• جواب:

همانطور که آنها رموز حیوانی را پیدا کرده و می توانند به آن وسعت در انسان نفوذ کنند در مقابل باید بحث رموز فطرت را باز کرد و این یک بحث مستقلی خواهد بود که انشاء الله در جلسات بعد به آن خواهیم پرداخت.
اما فرمایش شما، بستگی به برنامه ریزی و اولویت ها دارد، البته این اولویت ها به تناسبها متفاوت است، یک جهتش این است که در آرایش ها عرض کردیم، مثلاً ما یک بخش کارمان بایستی به سمت حمله باشد، حمله یعنی ما رو می آوریم در اصلاح اعتقادات، در اصلاح واژه ها، در بیان واژه ها با زبان فطرت، وارد جامعه می شویم، یعنی به جای اینکه بیاییم مثلاً بین پانصد نفر که دو نفر مزخرف آنجا را رهبری می کند و هم سنخ من ورود به آنجا پیدا کنیم، بنابر فرمایش قرآن «دَرَهُمْ». این

ها وقت را نگیرد، جامعه پر از این نیازمندان است، مطالب فطری را با بیان روان با زبان فطرت وقتی باز می کنیم، به جای این پانصد نفر، هزاران نفر از انسان های لایق جمع می شوند. اینجا می بینیم چقدر وقتمان صرفه جویی شد! آنجا اگر هزار ساعت وقت بگذارم فوقش دو درصد نتیجه می گیرم، ولی اینجا اگر ده ساعت وقت بگذارم، چه بسا هزار برابر آن نتیجه بگیرم. یعنی این کار حمله است، به این صورت باید حمله کنند.

البته در فضای باز جامعه؛ یعنی وقتی من فضا را باز میکنم یعنی برای اهلش دانه میریزم، این کیوترها خودشان جمع میشوند؛ کسی که اهلش هست وقتی من میدان مغناطیسی را می آورم، براده های آهن خودشان هر کجا هستند جمع میشوند. وقتی حقایق فطری را باز میکنم (منتها درست باز بکنم به زبان فطری نه اینکه با عبارتهای سنگین که باید تخصص را رعایت بکنیم)، به جای اینکه برویم روی آن صد نفر وقتمان راه، عمرمان را تلف کنیم، در اینجا آرام آرام هزار نفر اصلاً خودشان جمع می شوند.

سؤال ۵: کشف و جذب افراد دنبال حقیقت در فضاهای آلوده

• سؤال:

بعضی از این کانال ها که عضو هستیم و گاهی سوالاتی را به عنوان شبهه مطرح می کنند، افرادی هستند که دنبال این دایره هستند مثلاً طلبه اند، این زمینه ها چگونه است؟

• جواب:

آرایش را به خاطر همان عرض کردم، هر کدام تخصصی کار می کنند، این خودش یک تخصص است که ورود می کند و کانال ها، گروه ها و سایت ها را می گردد، کارش فقط همین است، می بیند کدام یک از این ها واقعا دنبال حقیقت هستند، نه اینکه من ده روز، ده ساعت یک سال علاف شوم برای یک مشت لابیالی به خیال اینکه این ها را هدایت می کنم و او هم بلد است طوری من را دست بیندازد که من خوشحال بشوم. این آرایش برای همان است که رصد و بررسی می کند از این پانصد تا تشکیلات از بین آن ها بیست نفر دنبال حقیقت هستند، این ها را می سپارد به بخش دیگر -مثلاً محتوا- که شما با این بیست نفر کار کنید. پیدا کردن این بیست نفر کار من است، دیگر نمی روم سراغ هزار مدل جاهای دیگر که هست.

این حمله هست ضد حمله هم میتواند باشد. او حمله اش را با شبهات ریز کرد ما هم جواب دادیم، چون دنبال حقایق هستند آنجا ارزش دارد یک نفر تخصصی وقت بگذارد، آن کسی که کار کرده، تا ببیند متوجه می شود که این لابیالی است و می خواهد مرا دست بیندازد یا دنبال حقیقت است؟^۱ خلاصه آرایش نیرو در هر جنگی لازم است.

سؤال ۶: کار در فضای مجازی یا حقیقی

• سوال:

آیا کار در این فضا صرفاً برای کار در فضای مجازی است یا اینکه می تواند مقدمه ای باشد برای فعالیت در فضای حقیقی؟

• جواب:

فضای مجازی در واقع شکسته شدن مرزها است. عرض شد که مخاطب کل انسان ها است. دشمن می خواهد مرزها را بشکند در همه موارد. مثلاً آمریکا در سیاست می گوید تمام دنیا باید بشود یک دهکده ای با حکومت من، سیاست من، اقتصاد

۱- [ولی اگر بلد نباشیم، می آیم با آن لابیالی ها هم مثل خودشان کار لابیالی می کنیم و با زبان خودش صحبت می کنیم و فکر می کنیم هدایت هم شد.]

من، دلار من. فضای مجازی به آن معنا با حقیقی فرقی ندارد. مثلاً آنجا ماهواره شب یک چیزی را می فرستد فردا صبح دانش آموز این را در کلاس جاری می کند، پدرش می رود در قهوه خانه برای افراد قهوه خانه جاری می کند. در فضای مجازی هم مطلب همان مطلب است نیازها همان نیازها است. منتها نوع رفتار متفاوت است، مثلاً ما همان مطلب را که در فضای مجازی می گوییم در سخنرانی پانصد نفری هم می توانیم همان مطلب را بگوییم یا عکسش. بنابراین بر می گردد به اینکه هنگام ظهور حضرت مرزها کنار می رود. مثلاً قبلاً جلسه ما یک جلسه پنجاه نفری بود الآن می شود جلسه یک میلیون نفری. بالاخره یک میلیون انسانند که در دسترس ما هستند، وظیفه هست که هدایت بکنیم.

تخصص جاری هست چه حقیقی باشد چه مجازی. در حقیقی شرایط ویژه خودش مانند ارتباط صمیمی و اینها در بخشی شاید متفاوت باشد و الا اصل همان مطلب هست.